

توکلی - فردی که با ادعای اعمال نفوذ در کنکور ۲۱ میلیارد ریال از یک شخص کلاهبرداری کرده بود، به چنگ قانون افتاد.

به گزارش خراسان، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان زرناد از دستگیری و صدور کیفرخواست برای متهمی که با ادعای اعمال نفوذ در کنکور و تضمین قبولی پزشکی در دانشگاه تهران، ۲۱ میلیارد ریال از یک شخص کلاهبرداری کرده بود، خبر داد. قاضی رضایعقوبی در تشریح جزئیات این خبر توضیح داد: این متهم با معرفی خود به عنوان صاحب امتیاز موسسه آموزشی در زرن کرمان و، با وعده قبولی تضمینی فرزند شاکی در کنکور سراسری و رشته پزشکی دانشگاه تهران، بیست و یک میلیارد ریال، از وی کلاهبرداری کرده است. وی ادامه داد: کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع دو اتهامی بود که با ارجاع پرونده به شعبه دوم دایاری دادسرای

گفت وگو با محکوم به اعدام که بعد از ۶سال فرار دستگیرشد

رفیق کشی در ۱۴ سالگی تا قتل در جوانی!

	
---------------	--

سید خلیل سجادیپور
info@khorasannews.com



جوانی که ۶سال قبل مرد۴۵ساله ای را در مشهد با ضربات چاقو به قتل رسانده و شبانه به افغانستان گریخته بود، پس از بازگشت به کشور در حالی

زیرپوشش اطلاعاتی کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد قرار گرفت و در شهرستان بومهن دستگیر شد که به طور غیابی از سوی دادگاه به قصاص نفس (اعدام) محکوم شده بود.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماجرای وحشتناک این متهم خطرناک که از سوی شعبه اول اجرای احکام کیفری دادسرای عمومی و انقلاب مشهد تحت تعقیب قضایی قرار گرفته بود، از نیمه دوم سال ۹۷ زمانی آغاز شد که نیروهای امدادی پیکر خون آلود مرد ۴۵ساله ای به

نام «اسماعیل -ک» را از مقابل منزلی در بولوار بهمن منطقه خواجه ربیع مشهد به مرکز درمانی انتقال دادند اما تلاش کادر درمانی بیمارستان

شهید هاشمی نژاد برای نجات وی از مرگ به نتیجه نرسید و مجروح این حادثه بر اثر عوارض ناشی از اصابت چاقو به نواحی حیاتی بدن جان سپرد.

طولی نکشید که با حضور قاضی کاظم میرزایی (قاضی وقت ویژه قتل عمد مشهد) در صحنه حادثه، تحقیقات قضایی آغاز و مشخص شد جوانی به نام «ناصر-و» او را هدف ضربات چاقو قرار داده و از محل گریخته است.

به همین دلیل بررسی های پلیسی با دستورهای ویژه و راهنمایی های قاضی وقت شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد وارد مرحله جدیدی شد و مشخصات متهم به قتل فراری در اختیار نیروهای انتظامی و مراکز تخصصی پلیس قرار گرفت؛ اما مدتی بعد رصدهای اطلاعاتی نشان داد که متهم ۲۹ساله به طور قاچاقی به کشور افغانستان گریخته است. در حالی که اقدامات قانونی برای دستگیری وی در افغانستان ادامه داشت، کارآگاهان پلیس آگاهی به سرخ هایی رسیدند که بیانگر بازگشت متهم به قتل فراری به کشور بود. بنابر این گروهی از افسران زبده پلیس آگاهی با دستور سرهنگ محمدرضا فدائیان (رئیس پلیس آگاهی مشهد) رصدهای اطلاعاتی را برای شناسایی مخفیگاه وی ادامه دادند تا این که مشخص شد این متهم فراری که به طور غیابی در دادگاه کیفری یک خراسان رضوی به قصاص نفس محکوم شده بود، در شهرستان بومهن و با مشخصات جعلی مشغول به کار شده است. بنابر گزارش روزنامه خراسان، با این سرخ مهم، بی درنگ کارآگاهان عازم بومهن شدند و محکوم به اعدام را دستگیر کردند.

آنچه می خوانید گفت و گوی اختصاصی خبرنگار روزنامه خراسان با این محکوم فراری است.

نامت چیست؟ ناصر-و.

چندساله هستی؟ اسفند سال ۶۸ به دنیا آمدم.

سواد هم داری؟ تا کلاس پنجم ابتدایی درس خواندم.

اهل کجایی؟ اهل و ساکن مشهد هستم و در خیابان دریای دوم زندگی می کردم.

پدرت چه شغلی دارد؟ بنای ساختمان بود اما حدود ۲سال قبل در زمانی که من فراری بودم، از دنیا رفت.

بعد از ترک تحصیل چه کردی؟ یکی از همسایگانمان در خیابان دریای دوم مشهد استاد گنج کاری ساختمان بود، من هم از همان دوران

شهرستان، به متهم تفهیم شد که در نهایت پس از استماع اظهارات و دفاعیات طرفین پرونده و استعلامات متعدد بانکی و نیز استعلام از سازمان سنجش آموزش کشور، برای متهم قرار جلب به دادرسی صادر شد.

این مسئول قضایی افزود: مطابق مستندات پرونده، متهم با وعده قبولی بدون زحمت و حتی با شرکت نکردن داوطلب در کنکور، مبلغ قابل توجهی را در خواست کرده و در نهایت با وسوسه و جلب اعتماد شاکی، مبلغ ۲میلیارد و صد میلیون تومان از وی با تضمین پذیرش قطعی فرزندش در رشته پزشکی دانشگاه تهران دریافت کرده است، که گردش حساب مبالغ دریافتی و انتقال و هزینه کرد آن ها نیز با استعلامات به عمل آمده، در پرونده وجود دارد. دادستان زرن د با تاکید بر صحت و سلامت آزمون برگزار شده، ادامه داد: با احرار عنوان مجرمانه کلاهبرداری، کیفرخواست متهم

صادر و پرونده برای ادامه رسیدگی و صدور رای به دادگستری شهرستان ارسال شده است. وی تصریح کرد: امکان پیموذ را ه صدساله در یک شب وجود ندارد و موفقیت در امری نیازمند تلاش و پشتکار افراد است و با نگاه به قبولی بسیاری از داوطلبان مناطق محروم در دانشگاه های پایتخت و دیگر مراکز برتر آموزشی کشور می توان مدعی شد که اهمیت استعداد و در کنار آن برنامه ریزی بلندمدت برای مطالعه هدفمند و در واقع فراگیری دانش، بیش از سرمایه های مادی برای گذر از کنکور موثر است و این موضوع باید مدنظر والدین و دانش آموزان از مراحل ابتدایی قرار گیرد. قاضی یعقوبی خاطر نشان کرد: در صورتی که شهروندان دیگری از طرق مشابه فریب خورده و متضرر شده اند، می توانند به همراه مدارک و مستندات به دادستانی زرن د مراجعه کنند.

از خانه بیرون آمده بود.

پشیمانی؟ اتفاق افتاد؛ قصد قتل نداشتم.

چرا فرار کردی؟ چون در میان محکومیت هایی که داشتم ۱۰ سال هم تبعیدی تعلیقی بود که هنوز چندماه تا پایان دوران تعلیق باقی مانده بود.

بعد از قتل چه می کردی؟ شبانه از طریق مرز تربت جام به افغانستان رفتم و در آن جا راننده ریلر شدم.

ریشه این همه خلافکاری آن هم در حد جنایت را چه می دانی؟ در حد جنایت! فکر می کنم ریشه آن بدبختی و زندگی فلاکت بارم باشد. **یعنی غرور را علت آن نمی دانی؟** غرور هم نقش مهمی در ارتکاب قتل دار و ولی تنها این نیست وقتی جوان یا نوجوانی غلطی می کند و مجازات می شود، دیگر نباید دوباره دعوا کند ولی من کسی را سراغ دارم که به خاطر چندغاز پول آدم کشته است. باید به زندگی ام می چسبیدم که...

چرا خودت را به پلیس معرفی نکردی؟ خواستم پسر م به ۱۴ سالگی برسد بعد خودم را معرفی کنم!

حالا اگر دوستان فرزندان در مدرسه یا محله او را سرزنش کنند که پدرت قاتل است، چه احساسی خواهند داشت؟ نمی دانم! آن ها هم خدا را دارند!

خانواده ات در مدتی که فراری بودی، چگونه زندگی می کردند؟ با حقوق باننشستگی پدرم و یا رانه دولت روزگار می گذراندند.

چند خواهر و برادر داری؟ ۴خواهر دارم ولی با مرگ برادر م تک پسر شدم!

برادرت چرا فوت کرد؟ او از من بزرگتر بر گزار ی مجلس عروسی اش باقی مانده بود که به همراه برخی از نزدیکانم سر کار رفته بود که آن ها او را در چاه آب انداخته بودند. چون سرش به میله آهنی بالای بالا بر کنار چاه خورده و دچار خونریزی شده بود. بعد از آن هم یکی از بستگانم ۶ماه در زندان بود که پدرم رضایت داد.

برای افرادی که احتمال دارد مرتکب چنین جنایتی شوند، چه توصیه ای داری؟ توصیه فایده ای ندارد! اگر خودشان از چاقو نترسند! نصیحت نتیجه ای ندارد و روزی به سر نوشت من دچار می شوند که دیگر خیلی دیر است. فقط باید از چاقو پترسند و هیچ گاه آن را به خاطر خودنمایی و غرور در جیبشان نگذارند که مثلاً دیگران از او حساب ببرند! عاقبت چاقو کشی حتی قابل تصور هم نیست چرا که وقتی حکم اعدام را به دست می دهند دیگر اشتباه کردم چاره کار نخواهد بود!



بود؛ ۳روز به زمان نه ایک انبار خرید و فروش ضایعات در منطقه خواجه ربیع راه اندازی کردم که درآمد خوبی هم داشت.

منتهلی؟ بله! سال ۹۱ از دواج کردم.

با همسرت چگونه آشنا شدی؟ او را نمی شناختم. عمه اش همسایه ما بود که با مادر م صحبت کرده بودند. این گونه از دواج کردم و بعد از ۱۶ماه دوران نامزدی مراسم عروسی را برگزار کردیم.

فرزند هم داری؟ ۴دختر و پسر دارم که پسر بزرگ تر م ۱۲سال و کوچک ترین آن ها دختر ۳ساله ام است.

دومین قتل چگونه رخ داد؟ در انبار ضایعاتی من برخی افراد کاری کردند که روزی فهمیدم فردی با شوکر به گردن پدرم زده است! با یکی از کارگران ضایعاتی رفتم به محل زندگی آن ها که دیدم طرف های مقابل با چوب و چماق شیشه های منزل پدرم را شکسته اند و او را کتک زده اند! من هم در گیر شدم و با چاقو به گردن مرد ۴۵ساله ای زدم که

سختگوی پلیس: درباره امنیت کودکان شوخی نداریم

حتی امکان بهره گیری از توانمندی های شناختی و هوشی را نیز از او می ستانند؛ کم نیستند کودکان و نوجوانانی که به سبب نداشتن امنیت روانی مطلوب، از ادامه موفقیت آمیز تحصیل و مهارت آموزی و اجتماعی شدن بازمانده اند.

سردار منتظرالمهدی تاکید کرد: همان شکل گیری احساس امنیت روانی در کودکان است که محصول عملکرد مطلوب خانواده، مدرسه و جامعه است؛ هر یک از این سه با انجام تمهیداتی می توانند روان کودک را سرشار از حس دلپذیر امنیت و آرامش سازند. خانواده با مهرورزی بی قید و شرط و ایجاد دلبستگی امن می توانند نقش امنیت آفرینی خود را به گونه ای رضایت بخش ایفا نمایند.

به گفته سخنگوی فراجا، والدین برای این منظور باید با گفت و گوی چاره ساز تنش های احتمالی خود را از میان بردارند و با بلوغ هیجانی موجب رشد عاطفی فرزندان شوند.

این مقام ارشد انتظامی همچنین به نقش مدرسه در امنیت کودکان اشاره کرد و توضیح داد: مدرسه امنیت آفرین نیز مدرسه ای است که در آن سه گانه تخریبگر امنیت روانی دانش آموزان یعنی طرد، تنبیه و تحقیر به کنار گذاشته و در پروسه تربیت از سه گانه امنیت آفرین یعنی تشویق و تحبیب و تکریم استفاده شود.

در امتداد تاریکی

زندگی در آستانه فروپاشی!

به خاطر دخالت های پدر شوهر م در زندگی مشترکمان، دیگر به هیچ وجه حاضر نیستم به خانه شوهرم بازگردم در کنار آن هازندگی کنم! اکنون مهریه ام را به اجرا گذاشته ام و قصد دارم طلاق بگیرم چرا که ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۲۶ساله با بیان این ماجرا به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری شفای مشهد گفت: در دادگاه خانواده جلسه داشتیم که یکی از دوستان پدر شوهرم به سمت من حمله ور شد و بازویم را فشار داد و من را روی زمین پرتاب کرد. برای نجات جانم به کلانتری آمدم و می خواهم از او شکایت کنم. زن جوان گفت: مدت ۶سال است که از زندگی من و حسن می گذر و صاحب یک پسر ۳ساله هستیم؛ اما من هیچ وقت طمع زندگی دونفره و خوشبختی در کنار خانواده را انچشیده ام و باید با امر و نهی های پدر شوهرم زندگی کنیم تا جایی که من اگر بخواهم برای منزل مل یا وسیله ای بگیرم همسرم می گوید ببینم پدرم چه می گوید، نظر او چیست؛ بارها به خاطر این رفتارش با هم در گیر شدیم و به او تذکر دادم که تواز دواج کردی و خودت پدر شده ای این رفتارهای بیگانه چیست که مدام باید از پدرت نظر خواهی کنیم. پدر شوهرم موضع مالی خوبی دار و در یکی از روستاهای اطراف مشهد زمین زیادی دار و دیوک طبقه از آپارتمان هایش را به ماداد تار آن زندگی کنیم ولی آن قدر که دخالت هایش زیاد بود به حسن گفتم برویم یک جای دیگر را رهن و اجاره کنیم. آپارتمانش در قسمت پایین شهر بود و من گفتم نمی توانم به خاطر پسر م در این محله هازندگی کنم و دوست داشتم نزدیک پدر و مادر م باشم؛ اما پدر شوهرم با عصبانیت گفت: باید داخل همین خانه زندگی کنی، یک طبقه آپارتمان در اختیار گذاشته ام مثل این که خوشی زیر دلت زده است. پدر شوهرم در همه کارهایم دخالت می کرد چرا بچه ات این گونه غذایی خورد؟ چرا دیر می خوابی؟ چرا درست رفتار نمی کنی؟ و هزاران چرای دیگر که من باید پاسخگو می بودم. برای همسرم اصلا رفتار های پدرش مهم نبود و فکری می کرد چون بزرگ تر است، باید در همه امور زندگی مادخال کند و نظر بدهد و انگاز زن و بچه اش را نمی دید که به خاطر امر و نهی کردن های پدرش چقدر عذاب می کشند. حتی میزان مصرف مواد غذایی مان را پدر شوهرم مشخص می کرد؛ مثلاً یک کیسه برنج یا یک کیلو گوشت می خرید و می گفت برای چند ماه تان باشد و اگر او تر تمام می شد شوهرم کسی نبود که بخواهد بر ایم خرید انجام دهد. «حسن» همیشه این رفتار های پدر شوهرم را دلسوزی می دانست که او به ما کمک می کند و خرج خورد و خوراکمان را تا انیمن می کند تا همسرم بتواند پول هایش را پس انداز کند و به فکر آینده ما باشد. وقتی رفتار های پدر شوهرم و خونسردی های «حسن» را برای پدر و مادرم تعریف کردم، آن ها تعجب کردند و چندبار با پدر شوهرم صحبت کردند ولی فایده ای نداشت تا این که واقعا از دست رفتار هایش به تنگ آمدم و با پسر م راهی خانه پدرم شدم و شرط گذاشتم برای همسرم که یا خانه را جد می کنی و از آن محله می رویم یا باید در دادگاه برای طلاق حاضر شوی. مدتی در خانه پدرم بودم و حسن هراز گاهی زنگ می زد و جرئت نداشت بدون اجازه پدرش به ماسر بزند چون پدرش از ریش سفیدهای روستا بود و می گفت با این کاری که کردی آبروی چندین ساله مرا جلوی دوست و فامیل و... برده ای! به پدر و مادر م هم گفتم حاضر م در مغازه حسن زندگی کنم ولی دیگر به آن آپارتمان نزوم. اقدامی برای نفقه و مهریه نکردم و دلم نیامد حسن را در تنگنا قرار دهم تا این که یک روز ابلاغیه ای به در منزل پدرم آمد و بر ای عدم تمکین دادگاه م را خواسته بود . من هم که می دانستم کار پدر شوهرم است و چقدر ثروت دار، به مهریه و نفقه ام را به اجرا گذاشتم و اجرای دستور دادگاه برای تمکین خودداری کردم. تا این که روز دادگاه مهریه فرار رسید و من تنهایی در دادگاه حاضر شدم اما «حسن» مثل همیشه با پدر شوهرم و چند نفر از دوستان پدرش آمده بودند. همان روز هم پدر شوهرم داخل دادگاه کلی تهدید می کرد که دختر جان بیا سرخانه و زندگی ات و دوست از این کار هایت بردار و من هم گفتم چیز زیادی نمی خواهم، زندگی در جایی دیگر و حق و حقوق خودم را از شما می خواهم. گفت: نه نه من و نه پسر م پولی نداریم که به تو بدهیم که در همین میان یکی از دوستانش به سمت من حمله ور شد و مرا اهل داد و من روی زمین دادگاه افتادم و همسری غیرت بی اراده من هیچ اقدامی انجام نداد.

الان دیگر نه تنها به خاطر دخالت های بی جای پدر شوهرم بلکه به خاطر این که «حسن» هیچ گونه احساس مسئولیتی در زندگی ندارد و مدام چشمش دنبال این است که هر تصمیمی پدرش برای زندگی ما بگیرد، اجرا کند، نمی خواهم با او زندگی کنم و تصمیم قطعی برای جد شدن از او را گرفته ام...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: بانو به به اهمیت این ماجرا و با صدور دستور ات ویژه از سوی سرگرد احسان سبکبار رئیس کلانتری شفای مشهد) بررسی های کارشناسی برای حل مشکل ساده ای که یک زندگی را در آستانه فروپاشی قرار داده است در دایره مشاوره و مددکاری اجتماعی آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

عکس نوشت



هفته نیروی انتظامی بر حافظان امنیت به ویژه سبز پوشان و دلاور مردان فرماندهی انتظامی خراسان رضوی مبارک